



رؤیا سلیمی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل تربیت مدرس
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

نقض حقوق کاربران فضای مجازی توسط ایالات متحده آمریکا

خواه ناخواه ما با هر کدام از آن‌ها، روبه‌رو خواهیم شد و در نهایت، به بررسی اسناد حقوقی و نقض تمامی آن‌ها، از سوی ایالات متحده می‌پردازیم. بیشتر نظریه پردازان تئوری ارتباطات، بر این اعتقادند که دنیای امروز، عصر ارتباطات است؛ عصری که وجه مشخصه آن، استفاده از فضای مجازی است. نظریه‌ای که شاخصه اصلی آن، بر این بنا بوده است. وسایل ارتباطی اثری مستقیم و فوری بر مخاطبان دارد، به گونه‌ای که لاسول بیان می‌دارد، از رسانه‌ها انتظار می‌رود، پیش‌برنده منافع ملی و پیش‌تاز برخی ارزش‌های کلیدی و الگوی رفتاری در جامعه باشند. در جهانی که عصر ارتباطات بر آن حاکم شده است، کشورهای قدرتمند در عرصه فناوری اطلاعات، بر فضای مجازی کنترل و نظارت دارند. در این میان، ایالات متحده به عنوان کشوری با قدرت و نفوذ بسیار بر فضای مجازی، شناخته می‌شود که از هر تلاشی برای تسلط و زیر نظر گرفتن آن، نهایت بهره را می‌گیرد؛ مسئله‌ای که اگر بخواهیم به صورتی جزئی‌تر به آن

امروزه وسایل ارتباط جمعی در غرب، عقاید مربوط به دموکراسی، آزادی بیان و حقوق بشر را به عنوان عمده‌ترین معیارهای نظام حاکم در سراسر دنیا ترویج می‌دهند. از آنجا که این رسانه‌ها، ضرورت تفسیر و تأویل اخبار را دارند و با رهنمونی افکار عمومی، همبستگی و تعلق اجتماعی افراد را تحریک می‌کنند، مردم را به اشاعه ارزش‌ها و حمایت از فرهنگ غرب فرامی‌خوانند؛ اما تاریخ نشان داده، دولتی که داعیه دار دموکراسی و حمایت از حقوق بشر است، خود در زمره کشورهای ناقض حقوق بشر برای رسیدن به مقاصد سیاسی و اقتصادی، به شمار می‌رود. در این رابطه، مجموعه‌ای از نظریه‌ها نظیر تئوری‌های ارتباطات، دموکراسی و مفهوم هژمونی گرامشی، ارتباط قابل توجهی با نقض حقوق کاربران فضای مجازی توسط ایالات متحده را دارد که برای تبیین و تفسیر این موضوع، مناسب خواهند بود. از این رو هر کدام از این تئوری‌ها، در جایگاه خود بررسی خواهند شد، زیرا لازم است تا اجماعی از نظریه‌ها را برای پرداختن به موضوع فوق به کار برد؛ البته در رابطه با این موضوع،

نگاه کنیم، با نظارت و در دست گرفتنش، حقوق کاربران فضای مجازی را نقض خواهد کرد. با این حال، یکی از اصلی ترین نهادهای اثربخش فضای مجازی در جهان، «کمسیون ارتباطات فدرال آمریکا» است که دفتر مرکزی آن، در این کشور قرار دارد و تمامی ارتباطات الکترونیکی در آمریکا، از سوی این کمیسیون تنظیم می شود. از این رو قوانین مدیریت فضای مجازی در ایالات متحده، این کشور را به قدرتمندترین کشور جهان از لحاظ مدیریت فضای مجازی، تبدیل کرده است که در کنار آن، عملاً فضای مجازی سایر کشورها را نیز مدیریت و کنترل می کند؛ اما اینکه این کنترل تا چه سطوحی خواهد بود، جای بحث دارد.

از سوی دیگر در نظریه های دموکراسی، می بینیم که اصل آزادی بیان، آزادی مطبوعات و استفاده از فضای مجازی در این قالب ها، از مهم ترین ویژگی های آن به شمار می روند. از دیدگاه نظریه پردازان این تئوری، رسانه ها همواره به عنوان رکن اساسی جوامع، عاملی مؤثر بر روند دموکراسی قلمداد

می شوند. نگاهی هرچند گذرا به تحولات سیاسی و اجتماعی برخی کشورهای جهان، به خوبی نشان می دهد که مصداق های بارز نقض فاحش حقوق بشری کاربران فضای مجازی در درجه اول، توسط خود آمریکا صورت می گیرد؛ کشوری که خود را مدافع حقوق بشر و داعیه دار دموکراسی می داند. تا جایی که حتی کشورهای نظیر چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان، اقدامات تقنینی در واکنش به سلطه آمریکا بر فضای مجازی اعمال کردند. با وجود این، می توان گفت که آمریکا، نه تنها کشوری با فانوس دموکراسی و سرزمین آزادی نیست، بلکه می توان یقین داد که این کشور، از اصل حقوق بشر به عنوان سلاحی سیاسی و پیش برنده منافع ملی بهره می گیرد. همان طور که در بحث مفهوم هژمونی آنتونیو گرامشی، این امر به صراحت بیان شده است، چنانچه وی بر نقش دولت در برتری جوئی فرهنگی و نقش رسانه های همگانی، در حفظ، انتقال و بازآفرینی فرهنگ متذکر می شود، چنین نتیجه ای می گیرد

که بدون کنترل و مهار این نهادها، امکان برقراری یا ادامه سلطه بر طبقات مردم میسر نمی شود. به این ترتیب، رسانه های همگانی از نظر گرامشی، جزئی از ابزار سلطه یا هژمونی سرمایه داری به شمار می روند که امروزه آمریکا از آن، نهایت استفاده را می کند؛ بهره ای که هم اشاعه فرهنگ این کشور خواهد بود و هم انحصار حقوق دیگران. به عنوان مثال، آمریکا با محدود کردن کاربران ایرانی در فضای مجازی، در پی استفاده ابزاری از این مکان، برای به نتیجه رساندن مقاصد خود است. همچنین، رفتارهای خصمانه شبکه های اجتماعی در موضوعات مختلف، به ویژه در خصوص عملکرد این شبکه ها در خارج، مصادیق نقض حقوق کاربران را نمایان می کند که بیشتر آن ها، تحت پوشش ایالات متحده آمریکا قرار دارند. از منظر داخلی نیز اگرچه در خود کشور آمریکا، بیش از دویست قانون در ارتباط با فضای مجازی وجود دارد که مطابق با آنچه اصل آزادی بیان خوانده می شود، شهروندان باید از آزادی عمل و آزادی فردی

برخوردار باشند اما تا وقتی که این اصول بر منافع این کشور، تأثیر منفی بگذارد، حتی برای شهروندان خود، اقدامات تنبیهی از جمله زندان و جریمه در نظر می‌گیرد، زیرا با منافع آمریکا در تضاد بوده و این، نقض فاحش دموکراسی و آزادی بیان در معنای عام، از سوی این کشور است. از سوی دیگر و از جنبه حقوقی، لازم است بدانیم که در ماده‌های ۹ و ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی بیان برای تمامی ملل در هر کجای دنیا، در نظر گرفته شده و به صراحت گفته شده است که از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد. همچنین، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، برای تمامی انبای بشر، مشخص شده است و هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و نباید از داشتن عقاید خود، بیمی داشته باشد. در واقع، کسب اطلاعات، افکار و انتشار آن با تمام وسایل ممکن، باید بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. سند دیگری که به صراحت راجع به حقوق

رسانه‌ها بوده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است که در بندهای ۱، ۲ و ۱۰، مردم را در داشتن عقاید و ایده‌ها، بدون مرزبندی‌های جغرافیایی می‌داند؛ اما همان‌طور که پیش‌تر هم از جنبه تئوری‌های سیاسی بررسی شد، از جنبه حقوقی نیز ایالات متحده، تمامی این حقوق را نقض کرده و اعتنایی به هیچ‌یک از آن‌ها نداشته است. لذا حقوق کاربران فضای مجازی، زمانی برای ما روشن خواهد شد که بی‌اعتنایی ایالات متحده به این حقوق را می‌بینیم؛ به‌عنوان مثال، شبکه‌هایی چون پرس تی وی، آژانس خبر المعلوم و کاف مدیا عراق، المسیره یمن، پایگاه اینترنتی شبکه العالم، فلسطین الیوم و الکوثر و کتابت حزب الله عراق، از سوی ایالات متحده، توقیف شده‌اند و نمونه بارز دیگر آن، در رابطه با کشور ایران است که بعد از فوت سردار سلیمانی بزرگ، تمامی پست‌های مربوطه در فضای مجازی حذف شدند. از این رو، بی‌شک محدودیت و نقض حقوق کاربران در فضای مجازی، امری است که به‌عنوان ابزار قدرت آمریکا و پیاده‌سازی

خواست‌های سیاسی، بدون در نظر گرفتن حق آزادی و دموکراسی، همواره دنبال می‌شود. بنابراین، ریاکاری سیاستمداران آمریکایی در اتخاذ استانداردهای دوگانه در مورد مسائل حقوق بشر و استفاده از آن‌ها برای حفظ هژمونی، کاملاً در دنیای امروز آشکار شده است. ایالات متحده با پیروی از چارچوبی که درک محدود خود از حقوق بشر با استفاده از منافع اصلی‌اش، در پیگیری هژمونی جهانی را نشان می‌دهد، به‌طور سیستماتیک و گسترده، حقوق کاربران فضای مجازی در سراسر دنیا را نقض کرده است؛ حقی که در تمامی اسناد حقوقی از دیرباز تاکنون، بر آن تأکید شده است. همان‌طور که می‌بینیم به اشکال مختلف، ابعاد سلطه جهانی آمریکا و نقض حقوق کاربران توسط این کشور هویدا است. این حقیقت روشن در دوره‌های زمانی گوناگون توسط این کشور، به وقوع پیوسته و تا جایی که بر همگان آشکار است، آمریکایی که خود را مدافع حقوق بشر می‌داند، از ابتدایی‌ترین حقوق یعنی حق آزادی بیان و اندیشه، واهمه داشته و در جایی



مجازی بر جهان حاکم است و هر شهروندی، می‌تواند از آن بهره‌گیرد، برخورد دوگانه‌ای دارد؛ یعنی در جایی که این تکنولوژی، به نفع آمریکا باشد، سعی دارد آن را با هزینه‌های سنگین و هنگفت، تشویق نماید و جایی که به نفع کشورش نباشد، آن را محدود می‌کند. همچنین، زمانی که دموکراسی به سود جامعه آمریکایی باشد، از اصول دموکراسی حمایت خواهند کرد و در جایی که به سود این کشور نباشد، اصول دموکراسی را زیر پا می‌گذارند.

آمریکا باشند، روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا دستیابی به سطح مطلوبی از امنیت ملی، همواره یکی از کلیدی‌ترین راهبردها و اهداف کلان هر نظام سیاسی در دنیا خواهد بود.

در عصر ارتباطات که وجه مشخصه آن، ارتباطات جمعی خواهد بود، عملکرد آمریکا به عنوان کشوری در حوزه حقوق بشر و دموکراسی را داریم که دولتمردان این کشور، از دموکراسی در چارچوب به اصطلاح حمایت از حقوق بشری، بهره‌گرفته و در عین حال، به یکی از مهم‌ترین کشورهای ناقض حقوق بشر، به خصوص نقض حقوق کاربران فضای مجازی، تبدیل شده است. لذا ایالات متحده با فناوری‌ای که امروزه با نام فضای

که منافع این کشور در فضای مجازی در معرض تهدیدات در سطوح ملی و فراملی قرار گیرد، اقدامات لازم را به منظور شناسایی تهدید و تلاش در راستای مقابله با آن تهدیدات را در دستور کار خود قرار می‌دهد. لذا بینش غالب سیاستمداران آمریکایی، حمایت از کاربران فضای مجازی در زمانی خواهد بود که در راستای منافع این کشور و تخریب کشورها یا شخصیت‌های سیاسی سایر کشورهای مقابل آمریکا باشد؛ اما تا زمانی که این فضا به جامعه و فرهنگ داخلی این کشور، لطمه‌ای وارد کند، نه تنها با محدودیت مواجه می‌شود، بلکه با تنبیه کاربران حتی اگر جزء جامعه داخلی